

تاریخ نظریه: 1399/06/22

شماره نظریه: 99/744

شماره پرونده: 744-9-10-99

استعلام:

با توجه به این‌که حسب مقررات جاری در نظام حقوقی و قضایی ایران و مدلول رأی وحدت رویه شماره 708 هیلت عمومی دیوان عالی کشور به حق بس زوجه تا زمان تلیه آخرین قسط و استهلاک کامل مهریه باقی است، در فرضی که زوجه به استناد حق بس و با تاکید و اصرار بر استمرار امتناع در مقابل شوهر تمکین عام و خاص ندارد و استهلاک تمام مهریه به صورت اقساطی بالحاظ ماهیت و کارکرد امروزی آن مستلزم سپری شدن سال‌های طولانی است و زوج به لحاظ عسر و حرج و بیم مفسد، به تشکیل خانواده و ارضی مشروع غریزه نیاز دارد، آیا زوج می‌تواند به استناد اصول دهم و چهلم قانون اساسی و بند 3 ماده 16 قانون حمایت خانواده مصوب 1353 از دادگاه صدور اجازه ازدواج دوم از نوع دائم را درخواست کند؟ موافقت یا مخالفت دادگاه با درخواست خواهان، با مبانی شرع مقدس و احکام الهی منطبق است یا خلاف شرع بین می‌باشد؟

پاسخ:

اولاًً موادی از قانون حمایت خانواده مصوب 1353 که به موجب قوانین بعدی نسخ نشده و با قانون حمایت خانواده مصوب 1391 نیز مغایرتی ندارد، از جمله ماده 16 آن قانون در خصوص اخذ اجازه ازدواج مجدد از دادگاه و بیان موارد آن به قوت و اعتبار خود باقی است. بر این اساس، آنچه در بند 3 ماده 16 قانون حمایت خانواده مصوب 1353 در خصوص بکی از موارد نمکانه جواز حکم ازدواج مجدد مدنظر قانون‌گذار است، مشعر بر عدم تمکین زن از شوهر و در راستای نشوی زن است و با عنایت به ماده 1085 قانون مدنی، اصطلاح «عدم تمکین» در ادبیات حقوقی معامل «نشون» است که تحقیق آن باید در دادگاه احرار شود و یا به موجب رأی دادگاه، زوجه به تمکین ملزم شده باشد؛ لذا فرض سوال که مربوط به صدور حکم تقسیط مهریه در زمان استفاده زوجه از حق بس است، با عنایت به برداشته شدن تکلیف زوجه به تمکین، از موارد یاد شده خارج است؛ همان‌گونه که عدم تمکین زوجه در راستای حق بس، موجب سقوط نفقة نبوده و مانع تعقیب کیفری زوج به لحاظ عدم پرداخت نفقة نیز نیست. ثانیاً، با توجه به این‌که زوج در فرض سوال دارای حق طلاق است و می‌تواند با استفاده از این حق، بیون هیچ مانع شرعاً و قانونی تجدید فراش کند، لذا عسر و حرج مطرح شده در استعلام با فرض تحقق، منتبه به رفتار زوج است و احکام شریعت مقدس اسلام نباید مستمسکی برای تضییع حقوق شرعاً و قانونی زوجه قرار گیرد.